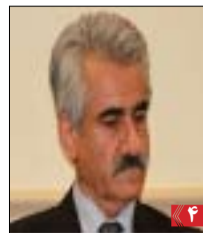


جمهوری
اسلامی،
مخالف ...



تهدید
نظامی
تمول ...



انقلاب
فرهنگی
اولین ...



زمستان
می‌گذرد و
(روسیاهی) ..



تقابل
ایران و
ترکیه در ...



تأمین حقوق ملی خلق کرد در چهارچوب ایرانی دمکراتیک و فدرال

کوردستان

ارگان کمیته مرکزی حزب دمکرات کوردستان ایران

شماره ۵۷۹، پنجشنبه، ۳۱ فروردین ۱۳۹۱، ۱۹ آوریل ۲۰۱۲، ۱۵۰ تومان

به مناسبت یکصد و چهاردهمین سالگرد روزنامه‌نگاری کردی

در یکصد و چهاردهمین سالگرد انتشار نخستین روزنامه‌ی کردی که تحت عنوان "کوردستان" و به همت مقداد مدحت بدرخان در شهر قاهره انتشار یافت، گرامی می‌داریم یاد تمامی قلم به دستان متعهدی را که جهت توسعه و ترقی روزنامه‌نگاری کردی فعالیت نموده و دغدغه رساندن اطلاعات و آگاهی درست به مردم خویش را داشته‌اند، گرامی می‌داریم.

هیأت تحریریه روزنامه‌ی کوردستان

www.kurdistanmedia.com

پنجره‌ی دیپلماسی در حال بسته شدن است



سلف

کریم پرویزی

بمب اتمی و سیل ناگهانی

آورده‌اند که در نقطه‌ای از این جهان پهناور بتایی بود که شهرت عجیبی در میان بستگان خود داشت و شاگردانش همواره تبلیغ می‌کردند که استاد چنین و چنان است و توانائی‌ها و استعدادهای شگفتی به وی نسبت می‌دادند. در آن حوالی عده‌ای نیز این تبلیغات را باور کرده بودند تا اینکه روزی بتا و شاگردانش در حال ساخت یک اتاق ۳×۴ بوده و تا غروب آن روز مشغول به کار بودند و ارتفاع دیوارها را یک متر و نیم بالا بردند اما بتای زبردست در غروب آن روز در داخل اتاق محبوس مانده و تازه دریافته بود که در و پنجره‌ای برای آن نساخته است که دست کم خود بتواند از آن خارج شود!

خامنه‌ای، رهبر جمهوری اسلامی که به طور شبانه‌روزی بر طبل فرزاندگی و حکمت وی می‌کوبند! بیش از دو دهه است که قدرت را به صورت کاملاً فردی در ایران در دست دارد و انچنان تبلیغات خود را باور کرده است که می‌پندارد دروغ‌ها و تملقات بیهوده‌ی اطرافیانش واقعیت دارد. رژیم تحت حاکمیت چنین رهبری می‌خواهد به سلاح اتمی دست یابد و کشور را در بحران عمیق فرو برده تا برای حفظ و بقای خود و توسعه‌ی سیاست‌های تروریستی‌اش به سلاح اتمی مجهز گردد. تبلیغات و ادعاهای آنان سراسر جهان را فرا گرفته و منطقه را دچار تنش نموده و مردم ایران نیز در برابر این سیاست اشتباه و خودکامگی ولی ققیه و چماقدارانش یا باید گرانی، تورم اقتصادی، بیکاری و هزاران مصیبت دیگر را تحمل کنند و یا دچار بلای خانماسوز جنگی شوند که جمهوری اسلامی کشور را به سوی آن سوق می‌دهد.

این بتای زبردست، یعنی رهبر جمهوری اسلامی انچنان سرمست قدرت خویش شده که امر بر خود او و اطرافیانش مشتبه شده است و به هرگونه تبلیغاتی دست می‌زنند. اما ناگهان باران شدیدی در بهار سال ۱۳۹۱ واقعیت‌ها را برملا می‌کند و این باران شدید در تهران تبدیل به سیل شده و تمامی خیابان‌ها معابر و میادین اصلی شهر را در برمی‌گیرد و متروی تهران که سال‌هاست آن را در بوق و کرنا کرده‌اند، لبریز از آب شده و تازه پی می‌برند که سیستم فاضلاب و شبکه‌ی زیرزمینی پساب تهران و مترو فاقد دریچه است!

باراک اوباما، رئیس جمهوری آمریکا، تأکید کرد که دولت آمریکا در تازه‌ترین دور مذاکرات با ایران، به جمهوری اسلامی وقت نامحدود نداده است. اوباما همچنین گفت، به رغم اجتناب از تبدیل مذاکرات به روندی برای ائتلاف وقت، آماده است که آخرین فرصت را برای راه حل دیپلماتیک، فراهم کند.

همچنین به گزارش رویترز، وزیر خارجه دانمارک، رئیس دوره‌ی اتحادیه اروپا گفته است، تا زمانی که ایران در جهت برآورده کردن خواسته‌های جهانی در مورد برنامه اتمی‌اش گام بردارد، هیچ راهی برای کاهش تحریم‌های غرب علیه ایران وجود ندارد. هیلاری کلینتون، وزیر خارجه آمریکا نیز گفت، در حالی که ایران برای دور دوم مذاکرات در بغداد آماده می‌شود، آمریکا به تحریم‌های خود علیه ایران ادامه می‌دهد. قانونگذاران آمریکا نیز هشدار دادند در صورتی که رژیم تهران غنی‌سازی اورانیوم را بیدرنگ متوقف نکند، تحریم‌ها را علیه این رژیم تشدید خواهند کرد. سخنگوی سناتور مارک کرک گفت، ما

نباید گفتگوی دیپلماتیک را با متابعت از قطعنامه‌های شورای امنیت، اشتباه بگیریم. مذاکرات ایران و گروه ۵+۱ بر سر برنامه اتمی جمهوری اسلامی، پس از یک روز کامل کاری در استانبول پایان یافت. دور بعدی این مذاکرات، روز ۲۳ مه در بغداد خواهد بود.

با حضور ناظران سازمان ملل درگیری‌ها در سوریه ادامه دارد

همزمان با ورود نخستین گروه از ناظران سازمان ملل متحد به سوریه، درگیری‌های خونین در این کشور همچنان ادامه دارد. به گزارش خبرگزاری فرانسه از بیروت، دیده بان حقوق بشر سوریه اعلام کرد، تاکنون بیش از ۱۱ هزار نفر در اعتراضات سوریه جان خود را از دست داده‌اند که ۵۵ تن از آنان پس از اعلام آتش‌بس در روزهای اخیر کشته شده‌اند. العریبه نیز گزارش داد، حومه شهر حلب توسط هلیکوپترهای نیروهای دولتی گلوله باران شده و شهر حمص و به‌ویژه منطقه خالدیه و البیاضیه در معرض تهاجم ارتش سوریه است، درگیری‌هایی در دمشق و حومه‌ی آن نیز به چشم می‌خورد.

در هفتمین سالگرد انتفاضه اهواز به پا خاست

در هفتمین سالگرد انتفاضه‌ی ۱۵ آوریل، شهرها و مناطق عرب‌نشین اهواز صحنه‌ی تظاهرات اعتراضی مردم بود. به گزارش العریبه، این تظاهرات در برخی مناطق عرب‌نشین اهواز از جمله کوی انقلاب، ملاشیه، کوت عبدالله، الزویه و همچنین شهرهای حمیدیه، سوسنگرد، شوشتر، خر مشهر، و آبادان برگزار شد. سایت "مقاومت ملی اهواز" اعلام کرده است تعدادی از شرکت‌کنندگان در تظاهرات بر اثر شلیک گاز اشک‌آور مسموم شده‌اند اما از بیم برخورد به بیمارستان‌ها مراجعه نمی‌کنند. در منطقه کوت عبدالله در اهواز بین تظاهرکنندگان و نیروهای بسیج درگیری به وجود آمد و یک تن از نیروهای امنیتی

کشته شد. همچنین شعبه اصلی سازمان اطلاعات در منطقه گلستان در اهواز مورد هجوم مسلحانه قرار گرفت. در منطقه "مویلحه" در نزدیکی شهر ویس نیز بین مردم و نیروهای پلیس درگیری به وجود آمد و یکی از عناصر امنیتی زخمی شد. در ۲۶ فروردین ۱۳۸۴ تظاهرات وسیعی همه شهرهای مناطق عرب‌نشین ایران را فرا گرفت که طی آن ۱۵ تن کشته و ده‌ها نفر زخمی و صدها عرب اهوازی دستگیر شدند. آنان به سیاست‌های رژیم جمهوری اسلامی برای تغییر بافت جمعیتی استان خوزستان به سود غیرعرب‌ها اعتراض داشتند.

بررسی وضعیت کردهای سه کشور در دیدار سه جریان سیاسی کردستانی



هیأت حزب دمکرات کردستان ایران به همراه هیأت حزب سوسیالیست کردستان ترکیه با هیأتی از حزب میهن پرست شمال کردستان دیدار کردند و در مورد وضعیت کردها در کشورهای ایران، ترکیه و سوریه تبادل نظر کردند.

هیأت حدکا به سرپرستی مصطفی هجری دبیرکل و هیأت حزب سوسیالیست کردستان ترکیه به سرپرستی مسعود تک روز ۱۵ فروردین ۱۳۹۱ با هیأتی از حزب میهن پرست شمال کردستان به سرپرستی آقای "بوتان" دیدار کردند.

در این دیدار آقای بوتان در مورد مسئله کرد به ویژه در کردستان ترکیه، نحوه برخورد دولت ترکیه با مسئله کرد و رویکرد هر یک از احزاب و جریان‌های سیاسی کردستان ترکیه در قبال خواسته‌ها و مطالبات ملت کرد در این کشور به بحث پرداخت.

در این دیدار همچنین وضعیت کردهای سوریه و سیاست‌های سرکوبگرانه و توأم با خشونت رژیم بشار اسد علیه جنبش مدنی مردم سوریه، رویکردهای مجامع بین‌المللی نسبت به جنایت‌های رژیم اسد علیه فعالین مدنی و سیاسی و مردم عادی، نقش اپوزیسیون سوریه و مواضع

مخالفین اسد در رابطه با مطالبات کردهای این کشور مورد تحلیل و تفسیر قرار گرفت. این سه جریان سیاسی کرد در ادامه، در مورد سیاست‌های مداخله‌جویانه رژیم ایران در امور کشورهای منطقه و حمایت‌های همه‌جانبه رژیم

از دولت بشار اسد و تلاش‌های جمهوری اسلامی در راستای ایجاد مانع بر سر راه مبارزات مردم سوریه گفت‌وگو کردند. در ادامه این دیدار علاوه بر اشاره به وضعیت وخیم اقتصادی ایران و فشارهای بین‌المللی علیه

رژیم حاکم، مبارزات و تلاش‌های کردهای ایران و روند رویه رشد مبارزات کردها و تأثیرات جنبش ملی - دمکراتیک ملت کرد بر جنبش سراسری مورد بررسی قرار گرفت.

دیدار هیأت‌های حدکا و سازمان خبات کردستان ایران



مورد بررسی قرار داد.

آقای هجری با اشاره به بحران‌ها و مشکلاتی که رژیم ایران با آن روبروست، افزود: حکومت اسلامی قادر به حل و برون‌رفت از این وضعیت نیست.

دبیر کل حزب دمکرات کردستان در ادامه سخنان خود بر ضرورت هماهنگی‌های بیشتر و تلاش برای ایجاد زمینه‌های مشترک در میان جریان‌ها و احزاب کرد تأکید ورزید.

سپس باباشیخ حسینی، رویکردها و سیاست‌های سازمان خبات را تشریح نمود.

دو هیأت همچنین در مورد مسائل مشترک مورد علاقه تبادل نظر کرده و بر لزوم هماهنگی‌ها و همکاری‌های سیاسی تأکید کردند.

هیأت‌های حزب دمکرات کردستان ایران و سازمان خبات کردستان ایران با هم دیدار کردند و در مورد مسائل مهم منطقه و به ویژه ضرورت همبستگی میان جریان‌های سیاسی کردستان ایران بحث و تبادل نظر کردند.

هیأت‌های حزب دمکرات کردستان به سرپرستی مصطفی هجری، دبیرکل حزب، و سازمان خبات کردستان ایران به سرپرستی بابا شیخ حسینی، دبیرکل سازمان خبات، روز ۱۹ فروردین ماه ۱۳۹۱ خورشیدی در دبیرخانه حزب دمکرات با هم دیدار کردند.

در این دیدار، ابتدا مصطفی هجری، دبیرکل حزب دمکرات، وضعیت سیاسی کردها، تحولات منطقه و شرایطی را که رژیم ایران با آن روبروست،

حضور هیأت حدکا در مراسم سالگرد درگذشت جوهر نامق سالم



کردستان عراق پیام نجیروان بارزانی، نخست وزیر حکومت اقلیم کردستان

پیام کریم سنجاری، وزیر داخله حکومت اقلیم کردستان عراق

پیام نجم‌الدین کریم، استاندار کرکوک همچنین پیام خانواده مرحوم قرائت، مجموعه‌ای شعر دکلمه و یک فیلم مستندی با موضوعیت زندگی جوهر نامق به نمایش درآمد.

جوهر نامق سالم، عضو دفتر سیاسی پارت دمکرات کردستان، یکی از شخصیت‌های سیاسی برجسته کرد بود که نقشی اساسی را در مبارزات کردهای عراق ایفا کرده است.

وی ریاست اولین دور پارلمان اقلیم کردستان عراق را عهده‌دار بود.

هیأتی از حزب دمکرات کردستان ایران به سرپرستی رستم جهانگیری، عضو دفتر سیاسی، در مراسمی که به مناسبت نخستین سالگرد درگذشت "جوهر نامق سالم" برگزار گردیده بود، شرکت کرد.

مراسم نخستین سالگرد درگذشت جوهر نامق سالم، عضو سابق دفتر سیاسی پارت دمکرات کردستان روز ۲۸ فروردین ۱۳۹۱ در شهر اربیل، پایتخت اقلیم کردستان برگزار گردید.

در این مراسم شمار قابل توجهی از مسئولین حکومتی اقلیم کردستان عراق و احزاب مختلف شرکت و مجموعه‌ای پیام نیز بدین مناسبت به مراسم ارسال شده بود، از جمله:

پیام کوسرت رسول علی، معاون رئیس اقلیم کردستان

پیام ارسلان بایز، رئیس پارلمان اقلیم

دیدار نماینده حدکا در دانمارک با سخنگوی حزب رادیکال

نماینده حزب دمکرات کردستان ایران در دانمارک با سخنگوی حزب رادیکال این کشور ملاقات و در رابطه با وضعیت ایران، به ویژه کردستان ایران به بحث و تبادل نظر پرداختند. سعید سلطان‌پور، نماینده حزب دمکرات کردستان، روز ۸ فروردین ۱۳۹۱ در پارلمان دانمارک با "راسموس هلوی پیترسن" سخنگوی حزب رادیکال این کشور دیدار نمود.

در این نشست وضعیت کنونی ایران و به ویژه کردستان، سیاست‌های داخلی و خارجی رژیم، کنگره ملیت‌های ایران فدرال و اپوزیسیون رژیم جمهوری اسلامی مورد بحث و بررسی قرار گرفتند.

حضور هیأت حدکا در سمینار "آینده و موقعیت کرد در تحولات سوریه"

هیأتی از کمیته حزب دمکرات کردستان ایران در سوئد در سمینار "آینده و موقعیت کرد در تحولات سوریه" که برای "عمر شیخ موس" از فعالان سیاسی کرد سوریه برگزار گردیده بود، شرکت کرد.

در این سمینار که روز ۲۶ فروردین ۱۳۹۱ در شهر اوریبری سوئد برگزار گردید، عمر شیخ موس در رابطه با تحولات جهان، خاورمیانه و به ویژه کردستان و تأثیرات این تحولات بر مسئله کرد به ایراد سخنرانی پرداخت.

در این سمینار هیأت حزب دمکرات کردستان ایران - اوریبری و مجموعه‌ای از شخصیت‌های برجسته و همچنین اعضای حزب دمکرات شرکت کردند.

حضور هیأت "جمعیت حقوق بشر کردستان ایران - ژنو" در سمینار همگرایی مهاجرین

هیأت "جمعیت حقوق بشر کردستان ایران - ژنو" در سمینار همگرایی مهاجرین و تأسیس "سازمان مهاجرین سوسیالیست سوئیس" شرکت کرد.

هیأت جمعیت حقوق بشر کردستان به سرپرستی تیمور الیاسی در سمینار حزب سوسیالیست سوئیس که روز ۲۶ فروردین ۱۳۹۱ و در رابطه با مسئله "همگرایی مهاجرین و پناهجویان در این کشور" در شهر برن برگزار گردید، شرکت کرد.

هدف اصلی این سمینار، مشارکت مهاجرین و پناهندگان در امور اجتماعی، اقتصادی و سیاسی این کشور و همچنین تأسیس سازمان مهاجرین سوسیالیست سوئیس بود.

پس از تبادل نظر و بررسی‌های صورت گرفته برای تأسیس این سازمان، کمیته‌ای برای مدیریت سازمان مهاجرین سوسیالیست سوئیس تشکیل گردید که تیمور الیاسی یکی از اعضای کمیته مزبور می‌باشد.

حزب سوسیالیست سوئیس تاکنون سازمان‌های "جوانان سوسیالیست" و "زنان سوسیالیست" را تأسیس کرده است.

یکی از اهداف سازمان حقوق بشر کردستان ایران - ژنو، تلاش برای همگرایی پناهندگان کرد در کشور سوئیس می‌باشد.

مؤسسه واشنگتن برای سیاست خاورمیانه برگزار گردیده بود، شرکت کرد.

در این سمینار شریف بهروز در برخی از بحث‌ها مشارکت کرد و ملاحظات خود را در رابطه با نقش نیروهای رژیم در خشونت‌های سوریه و مسئله کردها در این کشور بیان نمود.

در حاشیه‌های این سمینار شریف بهروز با چندین شخصیت سیاسی نیز دیدار کرد.

مقابل به رژیم توصیف نمود. وی با اشاره به تحولات سریعی که در سطح منطقه در حال وقوع است و تجربه کشورهای دیگر، یادآور شد که باید در راستای ایجاد زمینه‌های مناسب برای اتحاد میان اپوزیسیون به‌عنوان آلترناتیو رژیم ایران قبل از وقوع هر بحرانی، تلاش به‌عمل آید.

هیأت نمایندگی حزب دمکرات همچنین در سمیناری که در رابطه با تحولات سوریه در

در تحولات منطقه، به این مسئله پرداخت که ماندگاری این رژیم ناآرامی‌های منطقه و جهان را تشدید خواهد کرد و بیش از پیش منافع و مصالح مردم ایران و کشورهای دیگر را تهدید خواهد کرد.

شریف بهروز، انزوای بیشتر رژیم، تقویت مردم ایران از طریق حمایت از اپوزیسیون این کشور، به‌ویژه جریان‌های دمکراتیک و حمایت از آنها در سطح جهانی را بهترین راه ممکن برای

هیأت نمایندگی حزب دمکرات کردستان ایران در آمریکا به سرپرستی شریف بهروز، نماینده حزب در این کشور با مدیر دفتر سناتور مارک کرک، مسئولین وزارت خارجه آمریکا و مسئولین کمیسیون امور خارجه سنا دیدار و مسائل مربوط به منطقه، ایران و به‌ویژه کردستان را بررسی نمودند.

نماینده حزب دمکرات کردستان در این نشست‌ها با اشاره به نقش منفی رژیم ایران

سرنگون باد رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی ایران

پیام کبودوند به مناسبت اعلام جمهوری کردستان و اعدام رهبران



محمداصغر کبودوند، به مناسبت روز دوم بهمن - روز اعلام جمهوری کردستان - و همچنین به مناسبت روز دهم فروردین - روز اعدام قاضی‌ها - به ترتیب بیانیه و پیام کوتاهی ارسال داشته که متأسفانه به موقع دریافت نشده و اکنون به ترتیب در پی می‌آید:

همان‌گونه که تاریخ گواهی می‌دهد، استبداد و سلطه‌گری همراه با بی‌تدبیری حکومتگران وقت در ۶۶ سال پیش - دوسال قبل از صدور اعلامیه جهانی حقوق بشر - مردم ایران و جوامع ایرانی را با اوضاعی رنجبار و نابسامان مواجه ساخته بود، به طوری که ناامنی و قتل و غارتگری و پایمال شدن حقوق ابتدایی و اساسی مردم، سرتاسر ایران، به‌ویژه مناطقی چون کردستان را دربر گرفته بود.

در چنین شرایطی، گروهی از کوشندگان سیاسی و مدنی کرد در اندیشه نجات مردم از رنج و ستم و در جهت رفع ناامنی و ایجاد آرامش و امنیت در کردستان و همچنین با هدف دستیابی مردم کرد در ایران به بخشی از حقوق نادیده گرفته‌شده‌شان، آغازگر اقداماتی شجاعانه گردیدند که تاریخ مردمان تحت ستم آن را برای همیشه به یاد خواهد داشت.

قاضی محمد و همفکرانش در دوم بهمن ۱۳۲۴-۲۲ ژانویه ۱۹۴۶ - با اعلام خودمختاری کردستان در چارچوب مرزهای رسمی ایران، حداقل امکانی برای استقرار امنیت و صلح در کردستان و تأمین بخشی از حقوق سیاسی، مدنی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مردم کرد، مشابه همان حقوقی که دو سال بعد در اعلامیه جهانی حقوق بشر مورد تصریح قرار گرفت، فراهم

دستگیری و اذیت و آزار ۸ کولبر کرد در ماکو

روز هفدهم فروردین‌ماه امسال، مأموران نیروی انتظامی در منطقه‌ی "بورآلان" شهرستان ماکو به سمت جمعی از کولبران کرد تیراندازی نموده و نهایتاً ۸ تن از آنان را دستگیر کردند. به گزارش آژانس خبرسانی کردپا، تعدادی از کولبران کرد در مکانی به نام "قره‌سو"، واقع در مناطق مرزی شهرستان ماکو با کشور ترکیه مورد تعرض نیروهای انتظامی رژیم قرار گرفتند. مأموران رژیم بعد از دستگیری ۸ تن از کولبران، آنها را مورد ضرب و شتم قرار دادند. کردپا هویت سه تن از کولبران دستگیر شده را "محمد و جمال قزلباش و علی دنو قزلباش" عنوان کرده که از محل نگهداری این شهروندان اطلاعی در دست نمی‌باشد.

همچنین به گفته‌ی شاهدان عینی واقعه، مأموران نیروی انتظامی علاوه بر شکنجه و اذیت کولبران کرد، آنان را مورد بی‌حرمتی قرار داده‌اند.

کشته و زخمی شدن کارگران یک معدن در شهرستان سقز

به دلیل انفجار مواد تخریب‌کننده، در معدنی واقع در شهرستان سقز یک کارگر کشته و یک نفر دیگر نیز زخمی گردید. به گزارش آژانس خبرسانی کردپا، روز پنجشنبه هفدهم فروردین‌ماه، علی محمد صالحی قاطع "۴۹ ساله" و یک کارگر دیگر بر اثر انفجار ناشی از مواد تخریب‌کننده در معدن "سنگی" در شهرستان سقز کشته و زخمی شدند.

این معدن سنگ در روستایی به نام "مل قرنی" از توابع سقز قرار دارد. به گفته‌ی منابع محلی تاکنون در چند حادثه مشابه، کارگران این معدن جان خود را از دست داده‌اند و این در حالی است که آنها از هیچ‌گونه مصونیت کاری و حمایت‌هایی همچون بیمه کار و غیره برخوردار نیستند. این معدن متعلق به دولت بوده و به پیمانکاران داوطلب اجاره داده می‌شود، از همین رو و به دلیل جلوگیری از بی‌رونی شدن این معدن سنگ دولتی بودن آن هیچ‌گونه نظارتی مبنی بر امنیت جانی کارگران و تسهیلات کاری همچون بیمه ارائه نمی‌شود.

بازداشت پنج شهروند در پیرانشهر و تکاب

پنج شهروند در شهرهای پیرانشهر و تکاب به اتهام آنچه که "امنیتی" خوانده شده است، دستگیر و به زندان مرکزی ارومیه منتقل شده‌اند. به گزارش آژانس خبری موکریان، آزاد میرزا رحمتی، یوسف صالح زاده، عباس عبادی، محمد محمودی و حسین هدایتی حدود یک ماه پیش بازداشت شده و اخیراً به زندان مرکزی ارومیه منتقل شده‌اند. علل یا علت بازداشت این شهروندان پیرانشهری و تکابی از سوی مراجع قضائی استان آذربایجان غربی اعلام نشده، اما گفته می‌شود اتهام این شهروندان امنیتی است.

تیراندازی نیروهای رژیم به کولبران در منطقه سردشت

نیروهای نظامی رژیم ایران در نوار مرزی سردشت به روی کولبران مرزی تیراندازی کرده و مقادیر زیادی از اموال آنها را توقیف کردند. بنا به گزارش کوردستان میدیا، نیروهای رژیم روز ۲۹ فروردین ماه ۱۳۹۱ در یکی از مناطق مرزی سردشت در استان آذربایجان غربی به روی جمعی از کولبران و کاسبکاران مرزی آتش گشودند که در نتیجه شماری از احشام باربر کاسبکاران تلف و اموال آنها نیز توقیف گردید. کولبری در مناطق مرزی ایران با کردستان عراق سال‌هاست پدیده‌ای معمول و راهی برای

قتل یک جوان در سرپل ذهاب توسط نیروی انتظامی

یک جوان موتورسیکلت سوار در سرپل ذهاب از سوی نیروهای یک پاسگاه انتظامی رژیم هدف گلوله قرار گرفته و جان خود را از دست داد. به گزارش آژانس خبرسانی کردپا، در آخرین دقیق روز دوشنبه چهاردهم فروردین‌ماه در محدوده‌ی روستای "جوانمیری" از توابع شهرستان سرپل ذهاب، راکب یک موتور به نام "گیانوش جوانمیری" از سوی نیروهای

رژیم در سالگرد انتفاضه، اهواز را میلیتاریزه نمود

همزمان با اعلام آماده‌باش در پادگان‌های سپاه و ایجاد ایستگاه‌های بازرسی در خوزستان، ۷ شهروند عرب نیز در موحی جدید از دستگیری‌ها توسط اداره اطلاعات بازداشت شده‌اند. به گزارش منابع حقوق بشری، رژیم ایران در مناطق عرب‌نشین اهواز به ایجاد ایستگاه‌های بازرسی در محلات عرب‌نشین و روستاهای اهواز اقدام نموده و در دیگر شهرهای تابعه نیز پادگان‌های سپاه پاسداران نیز اعلام آماده باش کرده و سربازان عرب را به مرخصی فرستاده‌اند. بنابر گزارش‌ها در دستگیری‌های روزهای اخیر نبی سواری، احمد سواری (۲۵ ساله)، صادق شراهی (۳۰ ساله)، حمود صیاحی (۳۰ ساله)، سید نبی موسوی (۲۶ ساله)، حمود سواری (۲۵ ساله) فرزند رحیم و عقیل سواری (۳۰ ساله) بازداشت شده‌اند.

اسرائیل احتمال حمله به ایران را منتفی نمی‌داند

وزیر دفاع اسرائیل با ابراز ناامیدی از دور جدید گفتگوهای ایران و کشورهای غربی، تأکید کرد: این کشور هیچ "قولی" مبنی بر عدم حمله به ایران در زمان انجام مذاکرات نداده است. به گزارش رادیو فردا، ایهود باراک وزیر دفاع اسرائیل، در رابطه با گفتگوهای رژیم و گروه ۱+۵ به رادیو ارتش اسرائیل گفت: احتمال این که مذاکرات به توقف برنامه اتمی جمهوری

ناو اینترپرایز آمریکا راهی خلیج فارس شد

افغانستان و مقابله با دزدان دریایی در سواحل سومالی در خلیج عدن پشتیبانی می‌کنند. قرار است این دو ناو در مسیرهای استراتژیک عبور نفت‌کش‌ها در خلیج فارس گشت‌زنی کنند. مقام‌های ایرانی پیش‌تر تهدید کرده بودند که در صورت تحریم نفت ایران، با بستن تنگه هرمز

بنا به گزارش‌های منتشر شده نیروی دریایی آمریکا، "دریک فراست"، فرمانده ناوگان پنجم نیروی دریایی آمریکا که در بحرین مستقر است، روز دوشنبه ۹ آوریل اعلام کرد که ناو هواپیمابر هسته‌ای "یسواس.اس اینترپرایز" به همراه ناو آبراهام لینکلن از عملیات نظامی آمریکا در

مانع تردد نفتکش‌ها و صادرات نفت کشورهای این منطقه خواهند شد. در همین حال سخنگوی کاترین اشتون، مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا و نماینده گروه ۵+۱ اعلام کرده که با ایران توافق شده است، دور بعدی مذاکرات هسته‌ای روز شنبه ۱۴ آوریل، در استانبول برگزار شود.

شده‌اند هر دانشجویی را که مظنون به همکاری با احزاب مخالف رژیم و یا فعالیت‌های سیاسی بود، شناسایی و به اداره اطلاعات تحویل دهند. اخیراً نیروهای اطلاعاتی رژیم به انحاء مختلف دانشجویان کرد دانشگاه ارومیه را تحت فشار قرار داده‌اند و از آنها درخواست همکاری می‌کنند. این دانشجویان در صورت امتناع از همکاری، تهدید به اخراج و بازداشت می‌شوند.

نیروهای بسیجی رژیم در دانشگاه ارومیه در ترفندی تازه جهت اعمال فشار بر دانشجویان کرد، تلاش می‌کنند دانشجویانی را که با احزاب مخالف رژیم همکاری و یا فعالیت سیاسی انجام می‌دهند، شناسایی کنند. به گزارش کوردستان میدیا، نیروهای بسیجی رژیم در دانشگاه ارومیه دانشجویان کرد را تحت فشار گذاشته‌اند تا با اطلاعات رژیم همکاری کنند. نیروهای بسیجی از سوی اطلاعات مأمور

مصطفی هجری در گفتگو با "هاوولاتی":

جمهوری اسلامی، مخالف جدی ابتدایی‌ترین حقوق ملت کرد است

آقای مصطفی هجری، دبیرکل حزب دمکرات کردستان ایران در گفتگویی با روزنامه‌ی "هاوولاتی" به تحلیل دیدگاه‌ها و مواضع حزب دمکرات کردستان ایران در رابطه با مسائل و تحولات منطقه، ایران و کردستان پرداخت.

متن کامل این گفتگو ذیلا از نظر خوانندگان گرامی کردستان می‌گذرد: هاوولاتی: عده‌ای از رهبران خاورمیانه اخیراً با امواج اعتراضات خیابانی ملت‌ها روبرو شده‌اند، اما جمهوری اسلامی می‌گوید ما چنین وضعیتی را مدت‌هاست که از سر گذرانده‌ایم، آن هم پس از کودتا (انقلاب) سال ۱۹۷۹ و بازگشت امام خمینی بود. نظر شما در این باره چیست؟

مصطفی هجری: دیدگاه جمهوری اسلامی از این نظر درست است که سی و سه سال پیش از این، دیکتاتوری شاهنشاهی به خواست و اراده‌ی مردم سرنگون شد و در خاورمیانه این روند از یک سال قبل آغاز شده است، اما این بدان معنا نیست که چون مردم ایران پیش از دیگران موفق به سرنگونی یک نظام دیکتاتوری شده‌اند، بنابراین به خواسته‌هایشان که همانا آزادی و دمکراسی است، رسیده‌اند و رژیم پس از دیکتاتوری شاه تضمینی از مردم دریافت نموده است. بلکه تحلیل درست در این رابطه آن است که مردم ایران سه دهه قبل، دیکتاتوری را سرنگون کردند تا بجای آن نظامی دمکراتیک مستقر سازند و در سایه‌ی چنین نظامی به آزادی نائل گردند، به همین منظور نظام جمهوری اسلامی را برگزیدند که هم‌اکنون زمام امور را در دست دارد. اما متأسفانه این رژیم نه تنها خواست‌های دمکراتیک مردم را برآورده نکرد، بلکه شرع اسلام را دستاویزی برای برقراری یک حکومت دیکتاتوری مذهبی قرار داد که به مراتب از رژیم قبلی مستبدتر و ضد‌مردمی‌تر

تقابل
که از ۳۳
سال پیش
علیه دیکتاتوری
در ایران آغاز
شده بود، تاکنون
نیز ادامه دارد و تا
زمانی که مردم به
اهداف خویش دست
نیابند، ادامه
خواهد
داشت

بود، از همین رو، تقابلی که از ۳۳ سال پیش علیه دیکتاتوری در ایران آغاز شده بود، تاکنون نیز ادامه دارد و تا زمانی که مردم به اهداف خویش دست نیابند، ادامه خواهد داشت.

تفاوت این رویارویی با موج کنونی اعتراضات خاورمیانه در آن است که اگر ۳۳ سال پیش مردم ایران ناآگاهانه و تحت تأثیر توطئه‌های آخوندها به حکومت مذهبی رأی

است.

هاوولاتی: چند سال پیش احزاب و جریان‌های سیاسی کردستان ایران در تلاش برای تشکیل جبهه‌ی مشترک برآمدند، ولی این جبهه به وجود نیامد، بعضی علت این امر را انتصابات احزاب دمکرات و کومله می‌دانند، شما علت عدم تشکیل این جبهه را چه می‌دانید؟

مصطفی هجری: انتصابات احزاب

را رفع کنیم.

نامیدی - رهبران کرد اگر این‌طور باشد - نسبت به تحقق منافع و حقوق ملت کرد توسط آمریکا چیزی شبیه این است. آمریکا با سرنگون نمودن دیکتاتوری همچون صدام حسین کمک بزرگی به مردم عراق و کردهای این بخش نمود. تا شرایط به وجود آمده بعد از سقوط صدام حسین را به نفع خود رقم بزنند، ولی غیر از عرب‌ها،



کردستان ایران، اصلی‌ترین علت بر سر راه تشکیل جبهه یا هر نوع همکاری مشترک می‌باشد، ولی در این رابطه نباید نقش افکاری را فراموش نمود که منافع حزبی را به اشتباه بر منافع ملی ترجیح می‌دهند و در نتیجه بسیار می‌کوشند که برنامه‌ها و خواست آنها، بدون در نظر گرفتن خواست‌ها و مطالبات جریان‌های مقابل به کرسی بنشینند. در این راستا نباید توطئه‌های دشمنان را نیز فراموش نمود که هم در انتصابات احزاب تأثیرگذار بوده و هم علتی برای دوری آنها از همدیگر و در نتیجه عدم تشکیل جبهه یا عدم همکاری در مورد نقاط مشترک بوده است.

هاوولاتی: نوعی ناامیدی و یأس در میان رهبران کرد نسبت به نقش آمریکا در تحقق حقوق ملت کرد و دستیابی به آن احساس می‌شود، در حال حاضر احساس می‌شود که برای مسئله حق تعیین سرنوشت و دستیابی به حقوق مشروع ملت کرد، رهبران کرد به سمت کشورهای اروپایی و به ویژه فرانسه و انگلستان گرایش پیدا کرده‌اند؟ این را تا چه اندازه‌ی صحیح می‌دانید؟

مصطفی هجری: ما شرقی‌ها، به ویژه ساکنان خاورمیانه که ملت کرد نیز بخشی از آن است، بیشتر عاطفی و احساسی فکر می‌کنیم و چنین می‌اندیشیم که علت ناکامی‌هایمان دشمنانمان هستند و خودمان بری از هر مشکل و اشتباهی هستیم و در این رابطه مسئولیت‌پذیر نیستیم. این ساده‌ترین و در همان حال غیرسیاسی‌ترین توجیه این ناکامی‌هاست، به همین خاطر محکوم به تکرار اشتباهاتمان هستیم، بی‌آنکه از حوادث و رویدادها بیاموزیم و اشتباهاتمان

کردها نیز نتوانستند آن‌گونه که باید از این فرصت استفاده نمایند و در اقلیم خود بنیانی محکم برای آینده خود بنا نهند، در این رابطه مشکلات و اشتباهات فراوانند که در این بحث نمی‌گنجد. من معتقدم که اگر این مشکلات و مسائل داخلی وجود نمی‌داشت، کردستان با گذشت بیش از یک دهه از حاکمیت خود، می‌توانست با برنامه‌های صحیح و در پیش گرفتن سیاستی ملی و برنامه‌ریزی شده، حمایت کشورهای پیشرفته را بیشتر به سوی خود جلب نماید، ولی اگر چنانچه در سؤال آمده است، ملت کرد برای پشتیبانی از خواسته‌هایش در پی جایگزینی اروپا به جای آمریکا باشد، مرتکب اشتباه بزرگی شده است، زیرا تجربه نشان داده است که در تصمیمات مهم سیاسی منطقه، اروپا بدون حمایت آمریکا نمی‌تواند موفقیتی آنچنانی به دست آورد.

هاوولاتی: به نظر شما و بنا به وضعیت کنونی، اقلیم کردستان عراق تا چه اندازه‌ی توانایی حکومتداری را دارد؟

مصطفی هجری: اگر منظورتان از حکومتداری توانایی در اداره‌ی کشور مستقل است، در پاسخ می‌گویم به دلیل وجود اشتباهات و کاستی‌ها، نه در سطح داخلی و نه در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی هنوز حتی زمینه‌ی تشکیل حکومت مستقل برای جنوب کردستان (عراق) به وجود نیامده است تا از توانایی یا عدم توانایی اداره‌ی حکومت بگویم.

هاوولاتی: به نظر شما کسب رضایت کشورهای همسایه مهم‌تر است یا قدرت‌های بزرگ جهانی؟ لطفاً دلایل خود را هم بیان کنید؟

انشعابات

احزاب

کردستان ایران،

اصلی‌ترین علت

بر سر راه تشکیل

جبهه یا

هر نوع همکاری

مشترک

می‌باشد

مصطفی هجری: متأسفانه موقعیت ژئوپولیتیک کردستان به گونه‌ای است که در میان چند کشور و حکومت غیردمکراتیک که قائل به حقوق ملت کرد نیستند، تقسیم شده است. دیگر کشورهای منطقه هم هر یک به گونه‌ای مخالف حقوق دمکراتیک خلق‌های تحت ستم هستند، به همین دلیل این دو نیرو می‌توانند موانع جدی ایجاد کنند، از سوی دیگر در شرایط امروز، تغییر و تحول در مرزها بدون خواست کشورهای بزرگ محقق نمی‌شود. به همین دلیل ملت کرد مسئولیت سنگینی برای حفظ توازن در میان قدرتهایی دارد که نباید از نقش هیچ‌کدام غافل شد.

هاوولاتی: ایجاد کشوری به نام کردستان بزرگ ممکن است تلاش و زمان زیادی بخواهد، مسلماً وضعیت سیاسی و اقتصادی کردهای جنوب (عراق) از بخش‌های دیگر کردستان بهتر است، به نظر شما در صورت اعلام حکومت مستقل، واکنش کردها در دیگر بخش‌های کردستان چیست؟

مصطفی هجری: به دلیل آن که سال‌های زیادیست که کردها در آرزوی تحقق کردستان بزرگ هستند (و البته این حق آنهاست) مطمئناً خبر تحقق این آرزو برای مردم کردستان خبر مسرورکننده‌ای است، اما در عین حال اندیشیدن به میزان موفقیت این امر، بسیار مهم است چرا که اعلام استقلال و احیاناً ناموفق بودن آن ناامیدی زیادی در میان مردم به وجود می‌آورد.

هاوولاتی: به نظر شما موضع جمهوری اسلامی ایران در برابر اعلام استقلال جنوب کردستان (کردستان عراق) چه خواهد بود؟ مصطفی هجری: جمهوری اسلامی، مخالف جدی ابتدایی‌ترین حقوق ملت کرد است، به همین دلیل اعلام استقلال کردستان با واکنش شدید رژیم جمهوری اسلامی همراه خواهد بود.

ایران به دنبال تعیین مرجعیت شیعه در عراق

ترجمه: کریم پرویزی
آسوشیتد پرس در روز پنجم آوریل گزارشی درباره‌ی وجعیت رهبری دینی در میان شیعیان عراق و برنامه‌های جمهوری اسلامی در این باره منتشر کرد که در اینجا به قسمت‌هایی از این گزارش اشاره می‌کنیم:

نویسندگان این گزارش می‌گویند که ایران در صدد آن است تا روحانی اصولگرایی را که به رژیم ایران نزدیک باشد به عنوان جانشین رهبر روحانی شیعیان عراق تعیین کند، با این کار تهران توان تأثیرگذاری زیادی بر همسایه‌ی خود خواهد داشت.

رهبر روحانی شیعیان عراق، آیت‌الله محمود شاهرودی است که در میان دولتمردان روحانی ایران جایگاه مهمی دارد، او ده سال رئیس قوه قضائیه‌ی رژیم بوده و نقش چشمگیری در سرکوب اصلاح‌گرایان داشته و در یکی از شوراهای مهم جمهوری اسلامی دارای پست است. شاهرودی در حوزه‌ی نجف مشغول تدریس می‌باشد که مرکز مذهبی و مهمترین شهر جمعیت ۲۰۰ میلیونی شیعه در جهان به شمار می‌آید، در شهرک صدر بغداد که حدود ۲/۵ میلیون نفر از جمعیت آن را شیعیان می‌دهند پوسترهای شاهرودی را به دیوارها زده‌اند.

ایران در حال چاپر روابگ نزدیک سیاسی و اقتصادی با عراق دارد و اگر شاهرودی جانشین سیستمی به عنوان مرجع تقلید بزرگ شیعیان عراق شود مگمنا نفوذ ایران در این کشور بیشتر خواهد شد.

نویسندگان این گزارش در ادامه به این نکته اشاره می‌کنند که شاهرودی ۶۳ ساله می‌تواند نقش جدی‌تری از سیستمی کهنسال ایفا کرده و تأثیر بیشتری بر سیاست عراق داشته باشد، چرا که سیستمی وابسته به مکتب نجف است که با دخالت رسمی و مستقیم روحانیت در حکومت مخالف است اما شاهرودی وابسته به مکتب جمهوری اسلامی و معتقد به حاکمیت سیاسی روحانیون است.

این گزارش چمن گفتگو با کسانی که از چگونگی فعالیت‌ها و تلاش‌های ایران در این زمینه مگلع هستند بیان می‌دارد بسیاری از کسانی که در این باره اطلاعات داشته و نگران تسلط ایران بر روحانیت مذهبی عراق هستند از افشا شدن نام خود بیم داشته و خواسته‌اند نام‌هایشان مخفی باقی بماند.

در پایان، نویسندگان این گزارش با برشمردن برنامه‌های جمهوری اسلامی برای گسترش نفوذ گردفاران مکتب وابسته به جمهوری اسلامی در میان شیعیان عراق، یکی از نتایج این برنامه‌ها را وجود جوانان شیعه‌ای عنوان می‌کنند که خواهان دخالت عملی روحانیون در حکومت هستند و این ننگه آغاز برای جمهوری اسلامی در این زمینه است.

منبع: Associated Press

مصطفی هجری: تهدید نظامی تحول ایجاد نمی‌کند و مثر ثمر نیست



ترجمه: ربیوار فانی

مصطفی هجری، دبیرکل حزب دمکرات کردستان ایران در دیدار با فایبان، نماینده پارلمان بریتانیا، می‌گوید: تهدید نظامی به تغییر رژیم منجر نخواهد شد و بهترین راه برای تحولات بنیادین در ایران، حمایت از اپوزیسیون دمکراتیک می‌باشد.

مختصری از دیدار آقای فایبان و آقای مصطفی هجری در رابطه با رویارویی اپوزیسیون کرد ایرانی با رژیم در مورخه ۹ اسفند ۱۳۹۰ آقای فایبان، نماینده پارلمان بریتانیا با آقای مصطفی هجری، دبیرکل حزب دمکرات کردستان ایران دیدار کردند. این دیدار پس از سفر اخیر ایشان به شمال عراق - که موطن بسیاری از مردم کرد می‌باشد - صورت گرفت. در این ملاقات فرصتی فراهم شد تا گفتگو و تبادل نظری در باب شرایط اسفناک سیاسی ایران در تقابل با اپوزیسیون مخالف رژیم صورت گیرد که بصورت وحشیانه‌ای سرکوب می‌شود و در همان حال سران رژیم در پی گسترش فناوری هسته‌ای با اهداف جنگ افزوزانه می‌باشند.

آقای مصطفی هجری تاکنون از چندین سوء قصد تروریستی مضمون مانده‌اند، آخرین بار در سال ۱۳۸۶ شمسی تروری به قصد جان ایشان صورت گرفت. با این همه ایشان هنوز هم به طور راسخ حامی و مدافع یک حکومت دمکراتیک، فدرال و سکولار در ایران می‌باشند.

تحریمها خود به تنهایی قادر نخواهند بود تغییری در رفتار و سیاست رژیم در رابطه با برنامه هسته‌ای آن و یا عدم حمایت از سازمانهای مختلف تروریستی در منطقه حاصل کنند

و کسی است که اشراف فراوانی بر مسائل خاورمیانه دارند و بسیار به وضعیت در حال رشد و توسعه ایران اهمیت می‌دهند.

آقای مصطفی هجری اظهار داشتند که:

۱- اصلاحات در رژیم کنونی غیرممکن می‌باشد. انتخابات پیشین این موضوع را به اثبات رسانده است. رژیم برگزاری انتخابات را بهانه‌ای به منظور ادعای دارا بودن مشروعیت مردمی قرار داده است. با این وصف، از آنجا که انتخابات در ایران در شرایط آزاد و منصفانه برگزار نمی‌شود، بطور قطع مشروعیتی که مورد ادعای رژیم می‌باشد، حاصل نمی‌شود و از حمایت مردمی برخوردار نیست. اگر رژیم اسلامی در ایران از حمایت و پشتیبانی حداکثری برخوردار می‌بود، امکان برگزاری انتخاباتی آزاد و عادلانه فراهم می‌شد.

۲- تحریم‌ها تأثیرات قابل توجهی بر اقتصاد ایران برجای گذاشته است. واحد پول ایران بیش از ۴۰ درصد از ارزش خود را در برابر دلار از دست داده و این موضوع خود باعث کاهش سرمایه‌گذاری شده است. افزون بر این، میزان تولید نفت به طور چشمگیری تنزل پیدا کرده و آمار بیکاری به صورت قابل ملاحظه‌ای افزایش یافته است. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که عدم رضایت مردم از رژیم به واسطه تحریمها افزایش یافته است. اگر چه رژیم در تلاش است که کشورهای غربی را در رابطه با وضعیت نابسامان اقتصادی مقصر جلوه دهد اما مردم خود بر این واقعیت آگاهند که سیاست خارجی رژیم موجب تحریمها بوده است. حزب دمکرات کردستان ایران نیز قویا بر این عقیده است که تحریمها بر توانایی رژیم جهت دنبال کردن سیاستهای مخرب در منطقه تأثیرگذار بوده است. با این همه، تحریمها خود به تنهایی قادر نخواهند بود تغییری در رفتار و سیاست رژیم در رابطه با برنامه هسته‌ای آن و یا عدم حمایت از سازمانهای مختلف تروریستی در منطقه حاصل کنند.

۳- توجه و تأکید کشورهای غربی بر موضوع سلاح هسته‌ی معقول و قابل درک است. نگرانی‌های جدی وجود دارد که الزامات عقلانی در رابطه با نابودی دو سوپه در تقابل هسته‌ای توسط رژیم مذهبی ایران مورد توجه قرار نگیرد و در عین حال تهدیدات چنین رژیمی نسبت به کشور اسرائیل را به آسانی نمی‌توان از نظر دور داشت.

ذهن مردم ایران باعث خواهد شد که ما به وضعیت آنان اهمیت نمی‌دهیم.

۴- ما بر این عقیده‌ایم که به جای تلاش در جهت تغییر در رفتار و سیاست‌های رژیم، زمان آن فرا رسیده که در فکر چگونگی تغییر رژیم باشیم. در همین راستا مؤثرترین راه، حمایت و توانمندسازی اپوزیسیون دمکراتیک در ایران می‌باشد.

تهدید به حملات نظامی به مرکز هسته‌ای ایران به این دلیل که منجر به تغییر رژیم نمی‌شود، مثر ثمر نخواهد بود. اگر چنین حملاتی صورت گیرد و رژیم کمکان بر مسند قدرت بماند بیش از گذشته علیه مردم خشونت به کار خواهد برد. در هر حال باید بر این موضوع تأکید کرد که در صورت مورد حمله قرار گرفتن ایران ما بر این باوریم که مردم به حمایت از رژیم بخواهند خاست. اگر اپوزیسیون توسط جامعه بین‌المللی مورد حمایت و توانمندسازی قرار گیرد، امید و اعتماد افزون‌تری در دل مردم ایران زنده خواهد شد و اپوزیسیون را بصورت گسترده‌تری حمایت و پشتیبانی خواهند کرد.

برای مثال، نمایندگان پارلمان می‌توانستند با دعوت از اپوزیسیون در جهت چگونگی همبستگی بیشتر بر روی اهداف مشترک تبادل نظر کنند.

با حمایت و پشتیبانی از اپوزیسیون دمکرات، فضایی بازتر و زمینه بهتری برای فرایند دمکراسی فراهم خواهد شد. آقای فایبان بر موضع حزب دمکرات کردستان ایران در زمینه‌ی مخالفت با دخالت نظامی غرب در جهت سرنگونی حکومت ایران صحه می‌گذارد.

در صورت حمایت بیشتر و گسترده‌تر از فعالیت گروه‌های اپوزیسیون، فعالیت افرادی که در داخل ایران به دنبال تغییرات مسالمت‌آمیز هستند استمرار پیدا می‌کند و این موضوع مورد تأکید آقای فایبان است. آقای فایبان اظهار می‌دارد که: "در روزهای آتی موضعگیری حکومت ایران در رابطه با بازرسان هسته‌ای سازمان ملل سند موثقی خواهد بود که آیا صدقانی در بیانات رژیم ایران وجود دارد و یا اینکه اساساً تنها در جستجوی برهم زدن هر چه بیشتر تعادل قدرت در منطقه می‌باشد."

منبع:

www.leedsne.com

ما بر این عقیده‌ایم که به جای تلاش در جهت تغییر در رفتار و سیاست‌های رژیم، زمان آن فرا رسیده که در فکر چگونگی تغییر رژیم باشیم. در همین راستا مؤثرترین راه، حمایت و توانمندسازی اپوزیسیون دمکراتیک در ایران می‌باشد

همچنین متن این حکم به جنایت و ترور رژیم جمهوری اسلامی می‌پردازد که چگونه و به چه طریقی برنامه حذف تمام مخالفان خود را طراحی نموده است و در آن راستا از هر وسیله تروریستی استفاده می‌نماید. حکم دادگاه میکنونوس نقطه تحولی اساسی بود برای تحقیق درباره‌ی کاربدستان ایرانی که نتوانند بیش از این ترورهای بین‌المللی‌شان را ادامه دهند، حکمی بود که سبب رسوایی هر چه بیشتر رژیم در سطح افکار عمومی جهانی گشت و سیمای جمهوری اسلامی را به جهان شناخت و بسیاری از کشورهای اروپایی و جهان سفرای خود را به نشانه محکوم نمودن این ترور از تهران فراخواندند و اکثر کشورهای جهان، شخصیت‌ها و سازمان‌های بشردوست، جمهوری اسلامی را به عنوان عامل این ترور محکوم نمودند. حکم دادگاه میکنونوس واقعیتی غیرقابل انکار از مجموع جنایات رژیم جمهوری اسلامی است که حتی کاربدستان رژیم نیز قادر به انکار آن نیستند و در آخرین سخنان یکی از مسئولین رژیم به نام "عباس سلیمی‌نمین" به نقش رفسنجانی در ترور رستوران میکنونوس و انفجار مراکز نظامی آمریکا و عربستان و ... اشاره می‌کند و تهدید می‌کند و می‌گوید اگر هاشمی ساکت نشود بسیاری از ترورهایی که در دوران ریاست جمهوری او و به دستور او و توسط وزیر وقت اطلاعات ایران (علی فلاحیان) انجام گرفته‌اند را آشکار خواهد نمود. واقعیتی که بعداً رفسنجانی به آن اعتراف نمود و اعلام کرد که این عمل کار عوامل خودسر در داخل رژیم بوده است، یعنی نامبرده، با ذکر چنین سخنانی می‌خواهد بدینگونه نا آگاهی خود را از انجام آن ترور بیان کند. جنایت‌هایی که بعد از سال‌ها انکار از سوی عاملان و مسئولان آن رژیم، هم‌اکنون خود به آن اعتراف می‌نمایند و به سخنی زمستان می‌رود و سیاهی به زغال می‌ماند

زمستان می‌گذرد و روسیاهی به زغال می‌ماند!



پس از استماع شهادت نزدیک به ۱۸۰ شاهد و بررسی هزاران صفحه از اسناد و مدارک مستدل، در مورخه ۲۲ فروردین ماه ۱۳۷۶، با صدور حکمی تاریخی، مقامات بلندپایه رژیم جمهوری اسلامی را به عنوان طراح و مجری ترور محکوم و "اوواک" را مجرم و شریک در این ترور معرفی کرد، همچنین حکم بازداشت بین‌المللی علیه علی فلاحیان وزیر وقت اطلاعات ایران را صادر کرد. نتایج این دادگاه اثبات نمود که ترور بخش اساسی از ماهیت و ساختار حاکمیت و اقتدار تحمیلی جمهوری اسلامی را تشکیل می‌دهد،

ایرانی به شهادت رساند. این ترور برخلاف سایر ترورهای رژیم، با موج گسترده‌ی همدردی همراه گردید، از همین رو فرایند به جریان افتادن پرونده و انجام محاکمات، افراد و نیروهای اپوزیسیون ایرانی و شخصیت‌های دلسوز ایرانی و خارجی همکاری کاملی با دادگاه داشتند. به همین دلیل، با همکاری تمامی این نیروها، علیرغم تلاش گسترده‌ی جمهوری اسلامی برای پیشگیری از برگزاری جلسات محاکمه، دادگاه برلین در محاکمه‌ی مستقل و عادلانه که نزدیک به ۵ سال طول کشید و

شدید جمهوری ترور گردید، از همین رو بود که یک بار دیگر یکی از رهبران آزادیخواه ملتمان آماج سیاست ترور رژیم قرار گرفت. به همین دلیل خفاش‌های خون‌آشام خزیده در پستوهای جهل و ظلمت جماران، نتوانستند ابهت و سیمای تأثیرگذار رهبر مبارز، آزادیخواه و انقلابی ملتمان، دکتر سعید شرفکندی را تاب بیاورند و در روز ۲۶ شهریورماه ۱۳۷۱، گروهی از مزدوران وابسته به حزب‌الله لبنان را روانه‌ی برلین نموده و در رستوران میکنونوس، رهبر بزرگ ملت کرد را در جلسه‌ی جریان‌های سیاسی اپوزیسیون

دارا ناطق

تروریسم از پدیده‌هایی است که رژیم آدمکش جمهوری اسلامی ایمان عمیقی بدان و به عنوان ایده‌الترین مکانیسم و استراتژی برای سرکوب مخالفان و حفظ و بقای حاکمیت منحوس خود از آن بهره می‌جوید.

پس از انقلاب ۱۳۵۷ تاکنون تروریسم جزء لاینفکی از سیاست ایران بوده است. سردمداران این رژیم به طورکلی معتقدند که حذف فیزیکی، گروگانگیری و بمب‌گذاری ابزارهایی قانونی برای نیل به اهداف سیاسی رژیم در داخل و خارج از کشور هستند و از همین روست که جمهوری اسلامی، رژیمی تروریستی بوده و هست.

خمینی در اقدامی ضدبشری و به دور از هرگونه عرف و قانون بین‌المللی و اصول اخلاقی فرمان انحلال سازمان‌های سیاسی و توقیف روزنامه‌ها و فتوای جهاد علیه ملت کرد و کشتار و سرکوب آزادیخواهان میهنمان را صادر نمود. پس از صدور این فرمان، تاکنون در مدت بیش از سه دهه شب‌پرستان آخوندی با جامه‌ی عمل پوشاندن به ایده‌های تروریستی خود، صدها تن از آزادیخواهان میهنمان، به ویژه رهبران حزب دمکرات کردستان ایران را به طرق گوناگون و بر سر میز مذاکره برای صلح، در داخل و خارج از کشور ترور کرده‌اند.

رژیم جمهوری اسلامی بر آن بود که با ترور د. قاسملو جنبش آزادی‌خواهانه‌ی ملت کرد در کردستان ایران را به شکست کشاند و یا دست‌کم آن را دچار یأس و نومیدی و ضعف خواهد نمود، اما شاگردان مکتب دمکرات به رهبری د. شرفکندی، شخصیت مبارز، قاطع، ملی و در کنار آن، آکادمین و دیپلمات آشنا به اوضاع سیاست جهان، منطقه و کردستان، پرچم مبارزه و پیکار را همچنان در اهتزاز نگه داشتند. این امر سبب وحشت

گلاله کمانگر

آغاز انقلاب فرهنگی در ایران به پیام نوروزی خمینی در سال ۱۳۵۹ باز می‌گردد که در آن بر لزوم انقلابی فرهنگی در ایران تأکید کرد، و در این پیام به وضوح اعلام کرد منظور از انقلاب فرهنگی اخراج و تصفیه‌ی اساتید به گفته‌ی او وابسته به شرق و غرب است، تا دانشگاه به محیطی سالم برای تدوین دانش اسلامی تبدیل شود.

در پی این پیام و در آخرین روزهای فروردین همان سال سه روز مهلت برای جمع کردن دفتر و تشکیلات تمامی گروه‌های سیاسی در دانشگاه تعیین شد، همه‌ی سازمانها و گروهها در عرض سه روز از دانشگاه اخراج شدند، پس از آن حمله‌ی گسترده، تمام دانشگاه‌های ایران به مدت نزدیک به سه سال بسته شد.

این قسمت پیدای آن انقلابی است که بسیار از آن گفته‌اند و شنیده‌ایم، اما اینکه ایده‌ی چنین انقلابی از کجا آمد و تاریخ رفتارهای اینچنینی به کجا میرسد و در آن سالها و در سالهای پس از آن چه گذشت، موضوعی است که در این مقال به اجمال به آن خواهیم پرداخت.

اگرچه پیشینه‌ی انقلاب و حمله‌ی فرهنگی به کتابخانه سوزنهای بزرگ در زمان جنگها و اشغالهای بزرگ تاریخ بازمی‌گردد. اما آنچه که همچون نمونه‌ی ای برجسته و معاصر به الگوی خمینی برای این عمل به اصطلاح فرهنگی تبدیل شد، انقلاب فرهنگی چین بود، انقلابی که به فرمان مائو در تاریخ ۱۸ اگوست ۱۹۶۶ آغاز شد و طی آن دانشجویان و گارد سرخ چین هجوم گسترده‌ای را بر افراد تحصیلکرده، پزشکان و اساتید دانشگاه و هر کسی که گمان می‌کردند کاملاً تسلیم فکر مائوئیستی نیست، آغاز کردند. این هجومها که بیشتر از انقلاب به جنایتی وحشیانه و گروهی شباهت داشت نه تنها به اشخاص بلکه به امکان تاریخی و معابد نیز رحم نکرد و هرچه سر راهش قرار گرفت نابود کرد. تنها در اوایل این انقلاب دو میلیون انسان کشته شد و در مدت یازده سال که این انقلاب به اصطلاح فرهنگی ادامه داشت این آمار به رقم غیرقابل باور صد میلیون قربانی رسید!

جنون انقلاب فرهنگی در چین از سوزاندن

انقلاب فرهنگی اولین گام برای تخریب فرهنگ در ایران



کتابخانه‌ها و زنده به گور کردن نویسندگان گذشت و تنها در ناحیه واکسوان صد نفر زنده خورده شدند! چراکه خوردن مخالفان تنها راه اثبات علاقه به مائو بود. این جنایت بزرگ ضد بشری که در روزگار مائو در چین اتفاق افتاد هرگز همچون جنایات هیتلر محکوم نشد و به عکس، به الگویی تبدیل شد برای کسانی چون خمینی و قذافی تا از طریق عملی مشابه هر فکر متفاوتی را از بین ببرند. اگرچه ابعاد انقلاب فرهنگی در ایران مانند نمونه چینی گسترده و در آن حد وحشیانه نبود اما آسیبهای جدی به پیکر دانش و دانشگاه وارد کرد، در سالهای انقلاب فرهنگی نزدیک به هفتصد استاد از دانشگاهها اخراج شدند، به گفته‌ی عبدالکریم سروش که خود یکی از اجراکنندگان در ستاد انقلاب فرهنگی بود، اعضای این ستاد به دانشگاه می‌رفتند و با اساتید صحبت می‌کردند، اگرچه سروش از این حقیقت که این کار به منظور گزینش و تفتیش عقاید اساتید انجام شده طفره می‌رود، اما پر واضح است که هدف دیگری از این کار وجود نداشته است. مهمترین موضوع برای خمینی و ستاد انقلاب فرهنگی تغییر ظاهر و محتوای دانشگاه و متعاقب آن تمامی جامعه و اسلامی کردن آن بود. برای رسیدن به این مقصود گذشته از اخراج اساتید و دانشجویان و حتی دستگیر و زندانی کردن آنها، نهادهایی همچون نهاد نمایندگی رهبری و انجمن اسلامی تشکیل شد، ریاست دانشگاهها و دانشکدهها به آخوندها سپرده شد و درسهایی چون معارف اسلامی و تاریخ اسلام، متون اسلامی، انقلاب اسلامی و... که هم توسط آخوندها تدوین و هم توسط خود آنها تدریس می‌شد، وارد تمامی حوزه‌های دانشگاهی شد.

این جریان پس از سالهای ابتدایی انقلاب فرهنگی هم ادامه یافت و ستاد انقلاب فرهنگی به شورای عالی انقلاب فرهنگی تغییر نام داد و تا امروز هم به کار خود که همان تفتیش عقیده‌ی اساتید و دانشجویان است ادامه می‌دهد. اما پس از گذشت سی سال

بوده و اخیراً باز هم از لزوم اسلامی کردن دانشگاهها و تفکیک جنسیتی و بازیابی علوم انسانی می‌گویند.

جمهوری اسلامی در موضوع انقلاب فرهنگی نیز مانند دیگر مشکلات اجتماعی که گریبانگیرش است، بخش از بین بردن محتوا و اهمیت آن را در حاشیه‌ی تبلیغ تغییرات ظاهری قرار داده و تفکیک جنسیتی را همچون شعار اصلی مطرح می‌کند. وزیر کشور از لزوم اجرایی کردن این طرح از مهد کودکی تا دانشگاهها سخن می‌گوید، در همین راستا آواز خوانی و رقص و شادی کودکان در مهد کودکی ممنوع و غیر اخلاقی! به شمار می‌آید. این گونه نگاه کردن و حکم صادر کردن در مورد جنسیت و اخلاقیات اگرچه به نوبه‌ی خود قابل توجه و تحلیل است، اما هدف دومی را دربرمی‌گیرد که دارای اهمیت

از انقلاب فرهنگی در ایران هنوز هم رژیم بر آن است که به هدف نهایی خود نرسیده و به همین دلیل دوباره از لزوم تغییر و تحول در دانشگاه و اخراج اساتید می‌گویند. اخیراً آخوند سبحانی، مرجع تقلید شیعه سخن از لزوم اخراج اساتیدی به میان آورده که به گفته‌ی او در راستای اسلام و انقلاب اسلامی نیستند. بیشتر اساتید امروز دانشگاههای ایران از فیلتر شورای عالی انقلاب فرهنگی عبور کرده‌اند و حتی پرورده‌ی همان دانشگاه اسلامی شده‌ی پس از انقلاب فرهنگی هستند اما با این حال هنوز برای سیستم سرکوبگر اسلامی مشکل‌ساز می‌باشند.

قیام دانشگاه در ۱۸ تیر ۷۸ زنگ خطر را برای رژیم به صدا درآورد و به همین دلیل در ۱۲ سال پس از آن رویداد، پیوسته در کار آسیب شناسی و تحلیل رویدادهای دانشگاه

بیشتری نیز هست و آن تحریف افکار عمومی و به حاشیه فرستادن پروسه‌ی بی محتوا کردن دانشگاه و پایین آوردن چشمگیر سطح درک و فرهنگ جامعه و نابودی فکر و اندیشه است که جنایت بزرگی در حق انسان بوده اما احساس نمی‌شود.

آنچه در انقلاب فرهنگی ایران اتفاق افتاد و امروز هم ادامه دارد اگرچه در ظاهر مانند انقلاب فرهنگی چین خوین و وحشیانه نبود اما به ازای هر روزی که بر عمر جمهوری اسلامی افزوده می‌شود، فرهنگ و دانش و اخلاق در ایران یک گام به نابودی کامل نزدیکتر می‌شود و این جنایتی بزرگ در قبال انسانیت و همسنگ و معادل نمونه‌های دیگر جنایت در تاریخ استبداد و دیکتاتوری در جهان است.

کیهان یوسفی

در این گیتی که ما در آن می‌زییم و در مسیر پر پیچ و خم تاریخ، انسانهای بسیار آمده‌اند و رفته‌اند، و هرکس به اندازه بضاعت و توانایی و درک رسالت وجودی خویش بذری کاشته است.

کسانی هویت و ماهیت و سرشت انسانی خود را شناخته و مسیر پر مشقت حقیقت جویی و آزاده زیستن را در پیش گرفته، سختیها و دردها و رنجها را به جان خریده و مورد غضب و خشم صاحبان زور و قدرت قرار گرفته‌اند و افرادی نیز وجدان خویش را به دار آویخته و مطیع و خدمتگزار قدرتمندان و مستکبران گشته‌اند.

تاریخ بشری همیشه کارزار نزاع میان این دو دسته بوده، آنان که دل در گرو ملت دارند و از بطن جامعه برخاسته و درفش آزادیخواهی را بر افراشته و آنانکه گوشه‌ایشان کرو چشم‌هایشان کور و برده مال و قدرت شده‌اند.

در کردستان نیز بوده‌اند فریفتگان و خودفروشان که بوغ بسی هویتی به گردن آویخته و مسیر خدمت به متجاوزان این سرزمین و خیانت به خاک و ملت خود را برگزیده‌اند، گرچه اکثرین خودفروختگان به علت ناآگاهی در این دام افتاده‌اند ولی حلقه به گوشان و قلم به مژدان بی هویتی نیز بوده‌اند که آگاهانه آب در جوی متجاوزان و حاکمان ظالم ریخته و علیه فرزندان متعهد این ملت در رکاب دشمنان وطن به ستیز برخاسته‌اند.

یکی از چهره‌های منفور در این مقطع زمانی کسی نیست جز به اصطلاح "محقق" ی خود شیفته به نام عرفان قانعی فرد.

قانعی فرد چند روز پیش مهمان برنامه‌ی "همصدایی" کانال ماهواره‌ای فارسی "اندیشه" با مجری گری "فرامرز فروزنده" بود. در برنامه‌ی مهندسی شده و با تکرار سخنانی کذب و نقل روایتی بی اساس و نامعقول به زعم خویش دربی به چالش

سگ‌ها برای که می‌دوند؟



قانعی فرد بنا به مأموریتی که به وی داده شده سعی در سرپوش گذاشتن بر اقدامات و جنایات بنگاه قدرتی دارد که وی را اجیر کرده است. با ذکر روایتی نامعقول و نامستند سعی در ایجاد شک و گمان در مورد ترور رهبران شهید حزب دمکرات و به ویژه دکتر قاسملو از سوی رژیم آخوندی دارد. او در پی برات برای تمامی جنایات رژیم در کردستان است. قانعی فرد احزاب را مابه نشاط جامعه می‌داند و همزمان تشکیل احزاب کردی را کار بیگانگان می‌داند، جوانان و فعالان کرد را به مشارکت سیاسی تشویق می‌کند، ولی آیا تشکیل حزب و فعالیت در آن به معنای مشارکت سیاسی نیست؟ آیا رژیم مطلوب ایشان (جمهوری اسلامی) اجازه فعالیت و مشارکت سیاسی را خارج از چارچوب تعیین شده و کنترل شده خود به کسی می‌دهد؟ قانعی فرد

جوینده حقیقت از امر واقع انتقاد می‌کند که به وجود آورنده واقعیت همانا حکومت است. ولی آیا می‌توان امثال قانعی فرد را در زمره این افراد قرار داد. آیا قانعی فرد حکومت و اعمالش را به تقد می‌کشد، آیا آرمان قانعی فرد عدالت و آزادی و دفاع از حقوق تضییع شده ملتش است؟ قانعی فرد در راستای کدامین سیاست، به قول خودش به نقد و تحقیق می‌پردازد؟

قانعی فرد چوب حراج بر تاریخ مبارزات آزادیخواهان و حقوق ملتی تحت ستم می‌زند، مبارزات این ملت را منسوب به عوامل خارجی و تحریکات آنها می‌داند؟ سخنانی که اربابان وی در جماران و قم بیش از سه دهه است آن را جار می‌زنند و همانا مهملاتی اینچینی نزد مردم کردستان سخن تازه‌ای نیست.

کشیدن و یا به قول خود نقد تاریخ مبارزات ملی کرد و شفاف سازی درباره جنبش و چهره‌های محبوب و ارزشهای ملی این ملت بود. ولی نقد تاریخ و جستن حقیقت رسالتی است که مسیر تاریخ هر کسی را لایق آن نمی‌داند و به قول ادوارد سعید آنچه که در مورد نقش یک جوینده حقیقت مهم است، استقلال و آرمان اوست.

استقلال جوینده حقیقت از بنگاه‌های قدرت که هدفی جز استخدام افراد برای اهدافی چون حذف مخالفین و خوشایند جلوه دادن نامطلوب و سرپوش گذاشتن بر اقدامات این بنگاه‌ها به دلایلی مثل "مصلحت" یا "افتخار ملی" ندارند و طرح دو آرمان اصیل "آزادی" و "عدالت" که ملاک ارزیابی تمام افعال حکومتها می‌باشند، رکن اصلی موجودیت جوینده حقیقت را نشان می‌دهد.

شلیک به سربازان ایرانی (پاسداران رژیم جمهوری اسلامی) را امری قبیح می‌داند؟ آیا به دار آویختن فرزندان کرد، قتل عام و کشتار زنان و کودکان و سالخورده‌گان کرد و هزاران جنایت دیگر جمهوری اسلامی در کردستان چه در گذشته و چه در حال توجیه پذیر و غیر قابل نقد است که این محقق فریخته! به آن نمی‌پردازد؟

این بزرگوار! خود را طرفدار مدرنیته و اندیشه مدرن می‌داند، او حق تعیین سرنوشت ملت(ملت کرد) را امری ارتجاعی می‌داند ولی مشارکت و همکاری با رژیم قرون وسطایی جمهوری اسلامی را امری مدرن و امروزی تلقی می‌کند!

از دیگر مأموریت‌های محوله به او، کاشتن بذر نفرت و تفرقه در میان جریان‌های کردی در بخش‌های کردستان است، روایتی شفاهی، کذب و نامستند در مورد اختلافاتی میان شهید قاضی محمد و مرحوم ملا مصطفی بارزانی در جمهوری کردستان را نقل می‌کند و سخنانی در رابطه با وابسته بودن جریان‌های مختلف کردی به سرویس‌های اطلاعاتی کشورهای خارجی، سخن تازه‌ای نیست که عرفان قانعی فرد امروز آن را چون طوطی بازگو می‌کند، چنین سخنانی همانا مکانیزم حکومت‌های غاصب در کردستان در سرکوب بیرحمانه جنبش‌های آزادیخواهی ملت کرد طی این سالها بوده است، آنها به عوض برآورده نمودن مطالبات و خواسته‌های مشروع کردها، با چنین مکانیزم‌هایی به سرکوب این جنبشها پرداخته‌اند.

جنبش اقداماتی مرا یاد یک حکایت مشهور می‌اندازد "گویند روزی در دشتی سگی در پی گرفتن خرگوشی بود، و نمی‌توانست او را بگیرد، خرگوش به عقب برگشته و به سگ گفت: خودت را خسته نکن نمی‌توانی مرا بگیري؟ چونکه تو برای دیگران می‌دوی و من برای خود" و جناب قانعی فرد تو برای دیگران ... ما برای خود.

عمل گرایانه‌ای سیاست خود را به پیش برده و از اختلافات فرقه‌ای که در کشورهای چون لبنان، سوریه و به ویژه عراق جریان دارد، خود را دور نماید. برخلاف کشورهای چون ایران که خود را حامی شیعیان منطقه و یا عربستان که خود را حامی سنی‌ها می‌دانند.

اما از سوی دیگر واقعیت‌های منطقه سیاست عمل‌گرایی و آرمان‌گرایی ترکیه را به چالش کشانده است. از جمله می‌توان به ناموفق بودن ترکیه در ایجاد پلی ارتباطی میان ایران و غرب بر سر مسأله هسته‌ای اشاره کرد. با وجود تلاش ترکیه به منظور دوری از مباحث فرقه‌ای اما هنوز در ایجاد ارتباط محکم با شیعیان منطقه ناموفق بوده است. نوری المالکی نخست‌وزیر عراق به عنوان کسی که متحد ایران قلمداد می‌شود، مرتباً علیه دخالت‌های ترک‌ها در امور سیاسی عراق سخن رانده است.

در سوریه نیز جایی که رژیم علوی اسد به صورت وحشیانه‌ای اکثریت سنی را سرکوب می‌کند، دوگانگی آشکاری پیدا شده است چرا که ترکیه از ایزدیسینی در این کشور حمایت می‌کند که رهبران برجسته آن سنی‌مذهب هستند.

ایران از مدل اسلام لیبرالی که در ترکیه حاکم است و مورد توجه دیگر کشورهای منطقه قرار گرفته، در هراس است. تأثیرات منطقه‌ای جمهوری اسلامی که خود را سردمدار اسلام در منطقه معرفی می‌کند، هم‌اکنون توسط ترکیه تحت‌الشعاع قرار گرفته است و این موضوع برای تمامی کسانی که آرزوی دیدن خاورمیانه‌ای آزاد، دمکراتیک و توأم با صلح را دارند، می‌تواند خبری خوشایند باشد.

منبع: www.foreignAffairs.com

"تقابل ایران و ترکیه در منطقه"



ترجمه از انگلیسی: ریبوار فانی

رخداد بهار عربی تنش ایدئولوژیک میان تهران و آنکارا را شدت بخشیده است. بهار گذشته حکومت ایران ادعا می‌کرد که انقلاب‌هایی که در برخی کشورهای عربی رخ داده شبیه به همان است که چند دهه پیش در ایران روی داد و می‌تواند سرمشقی برای حکومت‌های آتی در این کشورها باشد. اما دیدیم در انتخاباتی که در کشورهای همچون مصر و تونس برگزار شد، احزاب اسلامی برنده در این انتخابات تمایل آشکار و صریح خود را بیشتر به الگوی اسلامی که در ترکیه جریان دارد نشان دادند تا شیوه حکومت مذهبی حاکم بر ایران. علاوه بر این، زمانی که سخنگوی گروه حماس در دسامبر سال ۲۰۱۱، تغییر رویه این حزب را به سوی مقاومت بدون خشونت اعلام کرد، ضربه دیگری بر پیکر حکومت اسلامی در ایران بود. اعلام چنین موضعی از سوی حماس بیانگر فاصله گرفتن بیشتر از سوریه و ایران و نزدیک شدن به کشورهای مصر، ترکیه و قطر بود.

تضاد و اختلاف مابین ایران و ترکیه دامنه‌ای فراتر از موضوع صرفاً مذهبی دارد. جمهوری اسلامی بزرگترین حامی و پشتیبان حکومت سوریه می‌باشد، این در حالی است که آنکارا و حبشیگری و خشونت رژیم اسد را به شدت محکوم می‌کند و با میزبانی از نشست شورای ملی سوریه و ارتش آزادی‌بخش این کشور با تمام توان سعی در پشتیبانی از ایزدیسون این کشور دارد. در عراق نیز حکومت ایران حامی شیعیان این کشور است، در حالی که ترکیه چه از نظر سیاسی و چه از جنبه اقتصادی به سوی سنی‌ها و کردها تمایل دارد.

دو کشور تنش‌هایی نیز بر سر استقرار دفاع ضدموشکی NATO ناتو در خاک

عراق بتوانند فعالیت خود در جهت تشکیل کردستانی بزرگ متمرکز کنند. اما هم‌اکنون حزب عدالت و توسعه به منطقه کردستان عراق به عنوان فرصتی برای سرمایه‌گذاری اقتصادی می‌نگرد. در یک دهه گذشته شرکت‌های فراوانی از سوی ترکیه در این منطقه مشغول به فعالیت بوده‌اند. در سال ۲۰۱۱ نخست‌وزیر ترکیه رجب طیب اردوغان اقدام به گشایش فرودگاه بین‌المللی و همچنین کنسولگری ترکیه در شهر اربیل به عنوان پایتخت اقلیم کردستان کردند. علاوه بر این، آنکارا در مورد آنچه که در مصر، غزه و تونس در حال جریان است، بسیار اهمیت می‌دهد چرا که مردم این مناطق پیوندهای مذهبی و تاریخی عمیقی با ترکیه دارند.

حکومت کنونی ترکیه سعی بر این داشته که تا جایی که امکان دارد به صورت

گذشته، سیاست خارجی ترکیه فراتر از میدانی برای رقابت غرب و شرق و یا میان آمریکا و ایران نبوده است. حزب عدالت و توسعه در ترکیه توجه و تمرکز خود را بر میانه‌روی و نوگرایی (مدرنیسم) محصور کرد اما نه بر اساس روابط حسنه با غرب بلکه بر مبنای سیستم دمکراتیک و عمل‌گرایی که خود آن را تعریف کرده بود. اگر چه کادر رهبری این حزب تمایلات مذهبی دارند اما چنین گرایش‌هایی را بر سیستم حکومتی ترکیه تحمیل نکرده‌اند. موضوع قابل ذکر دیگر، تغییر موضع سیاست خارجی ترکیه در رابطه با کردستان عراق می‌باشد. از دیدگاه حکومت پیشین ترکیه کردستان عراق تهدید بزرگی به حساب می‌آمد. چرا که بر این عقیده بودند که این نگرانی وجود دارد که کردهای کردستان ترکیه همراه با کردهای

ترکیه در سپتامبر ۲۰۱۱ داشته‌اند. حکومت ترکیه ادعا می‌کند که چنین موشکی در تقابل با ایران مستقر نشده است. با این وجود، در ماه دسامبر مقامات سیاسی ایران هشدار دادند در صورتی که از سوی آمریکا و اسرائیل مورد تهاجم واقع شوند، آنها نیز به اقدامات تلافی‌جویانه در خاک ترکیه دست خواهند زد.

در اوایل بر سر کار آمدن حزب عدالت و توسعه در ترکیه بسیاری از کارشناسان سیاسی بر این عقیده بودند که ترکیه در حال فاصله گرفتن از غرب و نزدیک شدن به شرق می‌باشد، چرا که اقداماتی مانند واسطه شدن جهت تبادل سوخت هسته‌ای برای ایران در سال ۲۰۱۱ از طریق ترکیه و یا حتی مخالفت ترکیه با وضع تحریم‌های جدید علیه ایران این تصور را به وجود آورده بود. در حقیقت در طی یک دهه

در راه همکاری بیشتر نیروهای دمکرات و مترقی ایران بکوشیم

بازتاب

تجلی یک نیروی بالقوه

باران

اعراب ایران در هفتمین سالگرد ۱۵ آوریل، روز خیزش و خروش مردم اهواز و چند شهر پیرامونش و متعاقباً سرکوب خونین آن توسط جمهوری اسلامی، در شهر حمیدیه و چند نقطه‌ای اهواز تظاهرات برپا کردند که شدیداً توسط نیروهای امنیتی رژیم سرکوب گردید. چند روز قبل از آن هم، تعداد قابل ملاحظه‌ای از دانش‌آموزان یک مدرسه‌ی اهواز در پی برافراشتن پرچم ملی خود، از سوی نیروهای امنیتی بازداشت شدند. ۱۵ آوریل ۲۰۰۵، اوج خیزش عرب‌های ایران علیه سیاست تغییر دموکرافی آن منطقه از عرب‌نشین به فارس‌نشین بود، سیاستی که هم‌اکنون نیز ادامه دارد و هر صدای در گلو مانده علیه آن، به شدت سرکوب می‌شود. تظاهرات چند روز پیش، فریاد برخی از آن صداهای خفته بود که از دست تبعیضات ملی از هر بعد و شکل آن به ستوه آمده‌اند، یکی از ابعاد، بعد اقتصادی است، به نحوی که اگر چه بیشترین درآمد ایران از نفت است و بیشترین چاه‌های نفتی در حال استخراج ایران نیز در منطقه‌ی عرب‌ها قرار دارند، اما مردم این منطقه در مقایسه با مردم مرکز نشین فقیرتر و کم‌درآمدتر هستند. مردم از اینگونه تبعیض‌ها ناراضی بودند و رژیم به جای برخورد کردن آنها از حق مسلمشان، توطئه‌ی تغییر ترکیب جمعیتی منطقه را در پیش گرفت، یعنی نه تنها نفت آنها را بدون توجه به مطالباتشان بالا می‌کشند، بلکه خاکشان را نیز غصب می‌کنند. گزارش‌هایی از سرکوب خونین اعتراضات آوریل ۲۰۰۵ در اهواز منتشر شدند که نشان‌دهنده‌ی نهایت توحش بکار گرفته شده توسط نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی هستند. به گفته‌ی شاهدان عینی در آن فاجعه‌ی انسانی، صدها تن از مردم ناراضی به رود کارون پرت شده‌اند، صدها تن بدون هیچگونه محاکمه‌ای اعدام شده‌اند و ...

محروریت و مظلومیت مردم عرب ایران همچون محرومیت و مظلومیت کردها، بلوچ‌ها، ترکمن‌ها و آذری‌ها به اندازه‌ی توحش و سرکوبگری نیروهای جمهوری اسلامی روشن و مشخص است، اما آنچه مبهم مانده، اینست که چرا هنوز کسانی پیدا می‌شوند که به غم ادعاهایشان برای دفاع از حقوق بشر، در مورد مسئله‌ی ملیت‌ها در ایران سکوت اختیار کرده و اگر موضعی ابراز می‌دارند، از تکرار تهمت‌های ناروای جمهوری اسلامی فراتر نمی‌روند.

در بیانیه‌ای که چند حزب و سازمان عرب اهواز به مناسبت هفتمین سالگرد خیزش ۱۵ آوریل منتشر ساخته و طی آن از مردم خواسته بودند که بدین مناسبت، به طرق گوناگون به فعالیت بپردازند، به دو مورد مهم اشاره شده بود، اول، راه‌حل مسئله‌ی ملیت‌ها در ایران، نظامی فدرالی است و دوم، فعالیت‌ها و تظاهرات مردم باید به شیوه‌ی مدنی و صلح‌جویانه برگزار شود و هر اقدام جمهوری اسلامی جهت تخریب چهره‌ی تظاهرکنندگان، بر ملا گردد. این موارد، ادعاهای کاذب کسانی را رد می‌کنند که قصد دارند با تکرار تهمت‌های نادرست جمهوری اسلامی، به وظیفه‌ی خود در دفاع از این مردم محروم و مورد ستم بی‌توجهی کنند. به هر حال، نیروی بالقوه‌ی ملیت‌های تحت ستم، واقعیتی است که امکان بی‌توجهی و انکار را سلب کرده است.



که در تاریخ ۱۹ مارس ۲۰۱۱ گرفته شده و چند روز گذشته از سوی خبرگزاری "آسوشیتدپرس" منتشر شده است، یک زیردریایی آمریکایی که مسلح به سلاح هسته‌ای است در زیر یخ‌های قطب شمال پنهان شده است.

گورهای دسته‌جمعی از انفال می‌گویند

دور دست انتقال یافته و سر به نیست شدند و برخی از آنان در آزمایشگاه‌های رژیم بعث مورد آزمایش سلاح‌های شیمیایی قرار گرفتند. همچنین چهار هزار روستای کردستان با خاک یکسان شدند. هزاران قطعه باغ و زمین کشاورزی به آتش کشیده شد، چشمه‌سارها با بتون پر گردید و مدارس، مساجد و درمانگاه‌ها تخریب شدند. در برخی از مناطق همانند گرمیان و بادینان سلاح شیمیایی به کار گرفته شد. در مرحله‌ی هشتم انفال در بادینان، شهروندان کرد به صورت دسته‌جمعی بازداشت و در همان جا تیرباران شدند. گورهای دسته‌جمعی کردستان هم اینک بزرگترین شاهد بر گستردگی و عمق سبیت عملیات ضدبشری انفال در کردستان هستند.



روز چهاردهم آوریل در اقلیم کردستان به عنوان "روز انفال" شناخته شده است. در چنین روزی و در سال ۱۹۸۸ در روستای "مله سوره" و "کوله جوی حاجی همه‌خان" بیشترین تعداد از مردم آماج عملیات انفال قرار گرفتند. در ۱۴ آوریل ۲۰۰۸ پارلمان عراق جنایت انفال را به عنوان ژینوساید به رسمیت شناخت. پروژه‌ی نسل‌کشی ملت کرد که از آن به عنوان "انفال" یاد می‌شود، از وحشیانه‌ترین کشتارهای دسته‌جمعی تاریخ بشریت به شمار می‌رود. شورای به اصطلاح فرماندهی انقلاب به رهبری صدام حسین که عالیترین مقام تصمیم‌گیری در عراق بود، در مورخه‌ی ۲۹ مارس ۱۹۸۷ با صدور فرمان شماره ۱۶۰ خود، دستور آغاز عملیات انفال را صادر نمود. در جریان این نسل‌کشی، ۲۰۰ هزار شهروند غیرنظامی کرد قربانی شده و به تبعیدگاه‌های

جنگ سرد جهانی بر سر قطب شمال در حال شکل‌گیری است

برای محافظت از حدود دریایی، به عنوان یک نیاز احساس می‌شود. ماه گذشته نروژ یکی از بزرگترین مانورهای نظامی قطب شمال را تحت عنوان "تمرین پاسخ سرد" نمایش داد که در آن ۱۶۳۰۰ سرباز از ۲۴ کشور دنیا به منظور آمادگی برای مقابله با هر نوع تهدید تروریستی یا نظامی در شرایط قطبی آموزش دیدند. بنابر برآورد سازمان سنجش ژئولوژیک آمریکا، ۱۳ درصد از نفت و ۳۰ درصد از گاز کشف نشده‌ی جهان در قطب شمال است. بررسی شورای کشف نفت که سال گذشته از سوی نیروی دریایی آمریکا تشکیل شده است، حاکی از آن است که بازشدن راه‌های دریایی به گونه‌ای که مناسب کشتیرانی باشد تا سال ۲۰۳۰ امکان‌پذیر خواهد شد. یخ‌های قطب شمال با سرعت دو برابر دیگر مکان‌های دنیا در حال ذوب شدن هستند، کارشناسان محیط زیست بر این باورند که خطر اصلی نه آغاز جنگ نظامی در منطقه بلکه استخراج نفت و گاز و استقرار جمعیت انسانی در این منطقه است. در این تصویر

برای رهبران نظامی، مناقشه بر سر تحولات منطقه‌ای ادامه دارد. آنها خود را برای شکل تازه‌ای از جنگ سرد در قطب شمال آماده می‌کنند، پیش‌بینی می‌شود که بالا رفتن دمای هوا در این ناحیه باعث نمایان شدن و دسترسی به منابع غنی و دست‌نخورده‌ی زیرزمینی و بازشدن راه‌های دریایی که همواره آرزوی درازمدت قدرت‌های جهان بوده است، خواهد شد و به جنگ قدرت‌ها خواهد انجامید. بنابر گزارش "آسوشیتدپرس" مسئولین نظامی هشت قدرت اصلی در قطب شمال یعنی کانادا، آمریکا، روسیه، ایسلند، دانمارک، سوئد، نروژ و فنلاند، هفته‌ی گذشته در پایگاه نظامی کانادا به منظور بحث بر سر مسئله‌ی امنیت قطب شمال جلسیه‌ی تشکیل دادند. این به معنای نزدیک بودن جنگ در این منطقه نیست بلکه به دلیل ازدیاد تعداد کارگران و کشتی‌هایی است که در جستجوی منابع نفت و گاز در قطب شمال رفت و آمد می‌کنند، لزوم وجود پلیس، نگهبانان مرزی و نیروی نظامی

افزایش فروش فیلم تایتانیک، در یکصدمین سالگرد آن



نشان داده شده است. در خبری دیگری مربوط به یکصدمین سالگرد تایتانیک، خبرگزاری "آسوشیتدپرس" اعلام نمود که فروش فیلم تایتانیک، محصول سال ۱۹۹۷، تنها در دو هفته گذشته، از ۲ میلیارد دلار به ۲/۰۳ میلیارد دلار رسیده است. "تایتانیک" با کارگردانی جیمز کامرون، بعد از فیلم "آواتار" محصول ۲۰۰۹ که کارگردان آن نیز کامرون است، پرفروش‌ترین فیلم تاریخ است.

در یکصدمین سالگرد غرق شدن کشتی معروف تایتانیک، موزه‌ای برای نمایش بقایای آن در شهر ساوتهمپتون بریتانیا افتتاح شد. این موزه ساعت ۱:۳۰ بعد از ظهر ۱۰ آوریل، در یکصدمین سالگرد به آب انداختن کشتی تایتانیک افتتاح گردید. مسئولان این موزه که حدود ۱۵ میلیون پوند بریتانیا هزینه برای آن صرف شده است، اعلام کرده‌اند که در آن بزرگ‌ترین داستان ناگفته‌ی سرنشینان تایتانیک و تأثیرات این تراژدی بر شهر ساوتهمپتون